

The political impact of “antiapproximate” thoughts of Shia and Sunny scholars on Iranian community in Safavid era

(Based on the Springgens crisis method and the conflict model)

Ihsan azarkamand¹

1. Phd. Student, The history of duodenum Shiite, University of Religions and Denominations, Qom, Iran; afsin_qom@yahoo.com

Received: 19 November 2018; **Accepted:** 3 October 2019

Abstract

This project was aimed at identifying the political impacts of "antiapproximate" thoughts of Shia and Sunny scholars about Iranian community in Safavids era. The research method was descriptive_ analytical and based on Spriggens Crisis theory. The conflict model is demonstrated into three different areas including severe divergence (fighting in battle fields), medium divergence (cold war and Takfir Fatwa), and mild divergence (damn). During Safavids era behaviors were mostly associated with medium divergence (cold war). This approach is specifically observed among Shia and Sunny scholars' letters. The conflict between Safavids and Ottomans followed by detrimental consequences for Iranian community at the time. The rise of Sunnis against Safavids, the war between Uzbek and them, coalition of Uzbek and Ottomans against Shia, Armed conflicts and massacre, arresting and murdering Shia scholars, and keeping safe the Christian Europe are among those consequences.

Keywords: Crisis Theory, conflict theory, Safavids Era, Shia scholars, Sunny Scholars, Thoughts of approximation.

تأثیرات سیاسی اندیشه‌های «ضد تقریبی» علمای شیعه و سنی بر جامعه ایران دوره صفویه (براساس روش بحران اسپریگنز و مدل تعارضات)

احسان آذرکمند^۱

۱. دکتری تاریخ تشیع اثنی عشری، دانشگاه ادیان و مذاهب، گروه تاریخ تشیع، دانشکده شیعه‌شناسی، قم، ایران:
afsin_qom@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۱

چکیده

هدف این مقاله تحلیل و شناخت تأثیرات سیاسی اندیشه‌های ضد تقریبی علمای شیعه با علمای اهل سنت بر جامعه ایران دوره صفوی بوده و با روش توصیفی - تحلیلی و محور قرار دادن «روش بحران اسپریگنز» انجام شد. یافته‌ها نشان داد، مدل تعارضات ذیل سه محور واگرایی شدید (جنگ و لشکرکشی میدانی)، واگرایی متوسط (جنگ سرد و صدور فتوای تکفیر)، واگرایی خفیف (سب و لعن و ناسزا) که در دوره صفویه بیشتر رفتارها برگرفته از واگرایی متوسط (جنگ سرد) یا همان صدور فتوای تکفیر بوده است. یافته‌ها حاکی از آن بود که تأثیرات سیاسی اندیشه‌های ضد تقریبی منجر به ستیز صفوی - عثمانی (رودروبی)، دشمنی‌های اهل سنت (هنجارشکنی)، خیزش سنی‌ها علیه صفویه (تضاد)، از هم‌گسیختگی پیوندهای فرهنگی، تقویت غالبان، صدور فتوای تکفیر، گسترش سب و لعن (هنجارشکنی) و ناهماهنگی‌های مذهبی (بی‌نظمی) و غیره شده است.

واژه‌های کلیدی: اسپریگنز، دوره صفویه، علمای شیعه، علمای سنی، اندیشه ضد تقریب.

مقدمه

با روی کار آمدن حکومت شیعی صفوی (۱۱۳۵-۹۰۷ق)، اختلاف با حاکمیت سنی عثمانی (۱۹۹۹-۱۹۲۲م) به اوج رسید، به طوری که هرکدام از آن دو، هویت خود را عمدتاً در تضاد با دیگری دنبال می‌کردند. هسته اصلی حکومت صفویه با محوریت شاه عناصر مکتب تشیع را به عنوان نقاط اصلی با هم ترکیب کرد و با جلب همکاری علمای شیعی که عمدتاً از لبنان فراخوانده شدند، (مهاجر، ۱۴۱۰ق: ص ۸۳) توانست مفاهیم جدیدی در عرصه سیاسی بروز دهد. حاکمان صفوی برای یافتن پایگاه مردمی و مشروعیت بخشیدن به گفتمان شیعه، به علمایی همچون محقق کرکی (۹۴۰ق)، شیخ بهایی (۱۰۳۱ق)، محمدباقر سبزواری (۱۰۹۰ق)، آقا حسین خوانساری (۱۰۹۸ق)، علامه مجلسی (۱۱۱۰ق) و غیره روی آوردند و همزمان سعی کردند با توسعه گفتمان تشیع و تضعیف و تخریب گفتمان رقیب در اهداف خود پیش روند. دال مرکزی در گفتمان تشیع عصر صفوی، از امام و نظریه امامت به پادشاه تحول پیدا کرد. محمدباقر سبزواری، شیخ الاسلام اصفهان، در «روضه الانوار» بر این نکته تأکید کرده است (سبزواری، ۱۳۷۷: ص ۱۶). گفتمان‌های رقیب به دلایل مختلف خارجی و داخلی هژمونیک^۱ سیطره خود را تا حد زیادی از دست داده بودند و مانند قبل نمی‌توانستند به تولید معنا و تثبیت نظام معنایی مطلوب خود در ذهنیت اجتماع پردازند و زمینه برای قدرت‌گیری گفتمان‌های جدید فراهم شد. در حکومت عثمانی ذهنیت تند و ضد تقریبی بسیاری از علمای اهل سنت و مسئله لعن و تکفیر علنی شد و آثار سوئی را بر جای گذاشت. عده‌ای نیز در حکومت صفوی، خلفا را لعن می‌کردند، به طوری که گروهی سبب^۲ همراه محقق کرکی بودند که شیخین را لعن می‌کردند (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ص ۱۲۳). در مقابل، علمای عثمانی نیز کشتن یک شیعه را افضل از قتل هفتاد کافر حربی می‌دانستند (خواندمیر، ۱۳۶۲: ص ۴۹۸).

1. Hegemonic

۲. غزالی سب را این‌طور تعریف می‌کند: سب عبارت است از گفتن چیزهای زشت با جمله‌های صریح و بی‌پرده و بدون کنایه و رمز. سبب اسم مبالغه است و در اینجا منظور کسانی بوده که طرف مقابل را بسیار با الفاظ زشت لعن می‌کردند.

مقطع زمانی موردنظر در این پژوهش سه دوره تأسیس و تثبیت (از شاه اسماعیل اول تا شاه‌عباس اول (۹۹۶ق-۹۰۷ق))، دوره اقتدار و شکوفایی (دوره شاه‌عباس اول (۱۰۳۸ق-۹۹۶ق)) و دوره انحطاط و فروپاشی (از شاه صفی تا شاه سلطان حسین (۱۱۶۶ق-۱۱۰۵ق)) را شامل می‌شود که برای ارائه یک سیر منطقی از آن مقطع، ضروری است. بنابراین، از آنجا که بعضی از علمای شیعه و سنی در آن مقطع، به جای انتقال معارف اصیل الهی و گسترش آنها، بیشتر به فکر تغییر عنوان مسلک و مرام طرف مقابل بودند، این نوع تعامل منفی دوطرفه نه تنها به نفع تشیع و تسنن نبود، بلکه به عنوان مانعی جدی در راه انتقال معارف دینی تلقی می‌شد. علاوه بر آنکه ضمن تشدید بدبینی طرفین نسبت به یکدیگر، تعصبات کور مذهبی را شعله‌ور می‌کرد و فاصله‌ای از جنس جمود و تعصب به وجود می‌آورد. امپراتوری عثمانی که قلمرو گسترده‌ای از دنیای اسلام را در اختیار داشت، با تمام توان، به رویارویی با شیعه برخاسته بود و استواری امپراتوری خود را در نابودی تشیع می‌جست. این سیاست عثمانی، شاه‌عباس را واداشت که برای برانگیختن مردم و واداشتن آنان به جنگ، باورها و عقاید مردم را وارد کارزار کند. نزاع‌ها، کشمکش‌ها و درگیری‌های دیرینه عثمانی و صفویه با یکدیگر باعث می‌شد با کوچک‌ترین اختلاف آتش زیر خاکستر، شعله‌ور شود و عالمان سنی کتاب‌های متعددی را بر ضد شیعه می‌نوشتند و فتوا به کفر شیعه صادر می‌کردند، تا آنجا که این فتواها سبب شد توده مردم دست خود را به خون شیعیان آلوده کنند.

پژوهش حاضر تلاش دارد با تبیین و کشف تأثیرات سیاسی اندیشه‌های ضد تقریبی علما شیعه و سنی بر جامعه ایران صفوی، چراغ راهی برای امروز و آینده نیز باشد.

چارچوب نظری

وقتی اندیشه‌های ضد تقریبی در رفتار سیاسی تبلور یافتند، بسته به مقتضیات زمان تحکیم می‌یابند یا در گذر زمان و در برخورد با پدیده‌های مشابه نیرومندتر از خود، ناتوان می‌شوند و به کناری می‌روند. نظریه بحران اسپریگنز^۱ (اسپریگنز، ۱۳۷۰: ص ۱۰) به مثابه یکی از مهم‌ترین

1. Sprigens

روش‌های فهم اندیشه به‌عنوان چارچوب نظری در این پژوهش مورد استفاده قرار خواهد گرفت. نظریه بحران اسپریگنز چهار مرحله دارد و هر مرحله بر مرحله قبلی بنیاد نهاده می‌شود. براساس این نظریه، مرحله اول شناخت مشکل است (اسپریگنز، ۱۳۷۰: ص ۱۲). مشکل همان اندیشه‌های ضدتقریبی است که جامعه صفوی با آنها درگیر بود. در ابتدا با مشاهده بی‌نظمی که در اینجا مصداق آن همان اندیشه‌های ضد تقریبی است، تحقیق شروع می‌شود.

در مرحله دوم، تحلیل و جست‌وجو در مورد علل بروز یک پدیده (اندیشه ضد تقریبی) اتفاق خواهد افتاد. کشف علل معمولاً دشوار است. وقتی علل بروز مشکل و تبیین علل واقعی بی‌نظمی‌ها (اندیشه‌های ضد تقریبی) روشن نشود، نمی‌توان پیشنهادها مناسب و راه‌گشا به‌منظور درمان مشکل ارائه داد (اسپریگنز، ۱۳۷۰: ص ۱۴۹). روش بحران، راه قرائت اندیشه‌ها را آموزش می‌دهد. اسپریگنز قائل به بهره‌گیری از روش‌های تاریخی، فلسفی و انسان‌شناسی در مطالعه علوم سیاسی است (اسپریگنز، ۱۳۷۰: ص ۱۴۹). عده‌ای از علمای شیعه و سنی عصر صفوی، به سمت اندیشه «ضد تقریبی» پیش رفته‌اند، عوامل و علل این مسئله چه می‌توانسته باشد؟

مرحله سوم روش بحران به بازسازی ذهنی جامعه (عصر صفوی) پرداخته، آرمان‌شهری در ذهن تجسم کرده و افکارش را به صیقل علم، قابلیت‌ها، امکانات و واقعیت‌ها می‌آراید. معیارهایی که نظریه‌پرداز برای جامعه بازسازی‌شده آرمانی خود در نظر می‌گیرد، هنجارهایی برای زندگی سیاسی نیز می‌باشد. نظم سیاسی هنجاری بازسازی‌شده، ترکیبی از نوآوری و اکتشافات است. هدف این مرحله، ایجاد رابطه‌ای بین شخص و محیط سیاسی است و موفقیت آن طرح بازسازی شده، یعنی قابلیت دوام، درجه عقلایی و حقیقی بودن آن بستگی به نتیجه‌ای دارد که نظریه‌پرداز از مرحله تشخیص علل گرفته است (اسپریگنز، ۱۳۷۰: ص ۱۴۹).

در مرحله چهارم نظریه‌پرداز با توجه به اقدامات صورت گرفته در مراحل قبلی به ارائه درمان می‌پردازد. در این مرحله باید راه‌کارهایی که برای جلوگیری از اثرات و آسیب اندیشه موردنظر در جامعه ایران صفوی وجود داشته، شناخته شود و راه‌کارهای درمان پیشنهاد شود.

درهم گسیختگی‌های سیاسی که در اثر اندیشه‌های «ضد تقریبی» در دوره صفویه به‌صورت

جنگ‌ها و تأثیرات داخلی، خارجی و منطقه‌ای، جامعه را آلوده کرد، مثال واضحی در این پژوهش است. به‌عنوان مثال اگر تأثیرات سیاسی اندیشه‌های «ضد تقریبی» باعث شد که دولت صفوی با همسایگان خود در جدال باشد، اگر نظم اجتماعی و امنیت مردم در اثر این اندیشه‌های «ضد تقریبی» از بین رفته و اوضاع بحرانی حادی را رقم زده باشد، تشخیص و درک آن مرحله اول است. جنگ و خونریزی که بین صفوی، عثمانی و ازبکان و غیره اتفاق افتاد، نشان‌دهنده آن است که اندیشه «ضد تقریبی» به‌عنوان یک مشکل در آن دوره تأثیرات سیاسی قابل توجهی را از خود برجای گذاشته است. بنابراین، هدف در استفاده از نظریه بحران اسپریگنز این است که بازخوانی و تبیین درستی از تأثیرات سیاسی برگرفته از اندیشه ضد تقریبی صورت گیرد. گسترش اندیشه‌های «ضد تقریبی» نوعی عدم سازش بیرونی و دور شدن از تعاون خارجی را طلب می‌کند، چراکه عمدتاً جوامع خواهان واگرایی ضد تقریبی، هرکدام از توانایی‌های متفاوتی برخوردارند و در این فرایند، در ارتباط با محیط‌های بیرونی، به سمت جنگ و درگیری پیش می‌روند؛ اما آنچه به‌صورت یک مانع بزرگ در عصر صفویه وجود داشت، شکل‌گیری گفتمان تشیع در مقابل گفتمان تسنن، به‌ویژه در ابعاد سیاسی، کلامی و فقهی بود که غیریت‌سازی در این بین نقش کلیدی داشت. بر همین اساس، آن دسته از علمای شیعه «ضد تقریبی» دوره صفویه با پررنگ کردن بعضی از مبانی موجود در فقه مثل مخالفت با تعلیمات اهل سنت (خذ ماخالف العامه، الرشد فی خلافهم و...) را برجسته می‌کردند. بدین ترتیب، جهت جلوگیری از بالفعل شدن تضاد و منافع و حاد شدن آن لازم است، راه‌حلی پیدا شود، که مرحله چهارم نظریه بحران با توجه به اقدامات صورت گرفته در مراحل سه‌گانه قبلی، به ارائه درمان می‌پردازد.

مهدی فراهانی منفرد در کتاب «مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی» به نقش و نفوذ علمای شیعه مهاجر در دولت صفویه و به ناسازگاری علمای مهاجر شیعه اشاره می‌کند، اما به‌طور مشخص به سؤال اصلی پژوهش حاضر نپرداخته است. منصور صفت گل در کتاب «ساختار نهاد و اندیشه‌های دینی در ایران عصر صفوی» در پی یافتن پاسخی پیرامون چگونگی ساختارهای دینی و سیاسی در عصر صفویه بوده و به قلمرو اقتدار روحانیان و چگونگی

تعامل آنان با شاهان و سازگاری‌ها و ناسازگاری‌ها و کنش‌ها و واکنش‌های آن‌ها در تعامل با سایرین پرداخته است. نجف لک‌زایی در کتاب «چالش سیاست دینی و نظم سلطانی» با تأکید بر اندیشه و عمل سیاسی علمای شیعه در عصر صفویه، به بررسی مناسبات شکل‌گرفته میان علمای شیعه و حاکمان صفوی پرداخته و رابطه بین آن دو را از نوع رابطه واهم‌گرایانه دانسته و جریان‌های مختلف فکری و مذهبی و هم‌گرایی و واگرایی علما در تعامل با سطوح مختلف را تشریح کرده است.

مرحله اول

علمای شیعه با استفاده از فرصت روی کار آمدن دولت صفوی برای ترویج دین و تقویت پایه‌های مذهب جعفری، به ترویج تشیع پرداختند که در این بین عوامل و زمینه‌های گوناگون و متضادی بسترساز گسترش اندیشه‌های «ضد تقریبی» در دوره صفویه شد. براساس چارچوب ارائه شده با محور قرار دادن نظریه بحران، مرحله اول که با مشاهده بی‌نظمی‌های سیاسی که متأثر از اندیشه ضد تقریبی در سه بعد داخلی، خارجی و منطقه‌ای می‌باشد، مطالعه آغاز خواهد شد.

۱. تأثیرات داخلی

۱,۱. تصرف پایتخت صفویه (رودروی)

یکی از تأثیرات سیاسی اندیشه‌های ضد تقریبی، فتوای علمای اهل سنت مکه درباره جواز خروج بر پادشاه شیعه بود که به تصرف پایتخت صفویه منجر شد. پشتوانه تصرف پایتخت صفویه فتوایی بود که علمای اهل سنت مکه و مدینه بر جواز خروج بر پادشاه رافضی (شیعه) صادر کردند (کروسینسکی، ۱۳۶۳: ص ۳۵). چنین فتوای ضد تقریبی، هنگامی می‌توانست تأثیر داشته باشد که شرایط و لوازم قیام نیز فراهم شود. آشفتگی حاکمیت صفوی در سلطنت شاه سلطان

حسین دلیلی بود که میرویس^۱ فرصت لازم را به دست آورد و اقدام به حمله به اصفهان کرد (همان: ص ۳۶).

۱,۲. نامشروع دانستن حاکمیت اسلامی صفویه (هنجارشکنی)

نامشروع دانستن حاکمیت اسلامی صفویه که برگرفته از اندیشه‌های ضد تقریبی عالمان اهل سنت مثل خنجی و خصوصاً اعلامیه ابوالسعود بود، از جمله تأثیرات سیاسی اندیشه‌های ضد تقریبی به شمار می‌آید. در عصر سلیمان قانونی بود که نبرد عثمانی- صفوی به اوج خود رسید. در نوشته‌های دو شیخ‌الاسلام یعنی ابن کمال پاشا (منصب شیخ‌الاسلامی از ۱۵۲۶-۱۵۳۴م) و ابوالسعود (از سال ۱۵۴۵-۱۵۷۴م) صفوی‌ها را به صورت مطلق دارای عقاید مشرکانه و یا مرتدگونه دانستند. ابوالسعود از علما و مفتی مشهور عثمانی زمینه را برای بدعت‌گرا خواندن صفوی‌ها آماده کرد، گرچه وی تأکید داشت، آنان حتی شیعه نیستند. در مورد دولت صفوی، عثمانی‌ها با بدعت خواندن عقاید صفوی‌ها، ایشان را شایسته جهاد خویش می‌دانستند. حتی در مورد جنگ‌های سلیم اول با شاه اسماعیل، گزارش‌هایی برای توجیه نبرد با آنان به دلیل عقاید مشرکانه و ملحدانه صفوی‌ها وجود دارد (اسپناچی پاشازاده، ۱۳۷۹: ص ۸۴).

۱,۳. گسترش سب و لعن

اندیشه‌های ضد تقریبی علمای شیعه و سنی، به کمک سیاست سب و لعن مورد حمایت از طرف حاکمان، موجب تضعیف اندیشه‌های تقریبی شد. مقوله سب و لعن که از عهد شاه اسماعیل به بعد به عنوان یکی از اسباب سنی‌ستیزها شد، به حربه‌ای کارا در تهییج توده‌های مسلمان علیه یکدیگر در خدمت کانون‌های قدرت سیاسی تبدیل گردید (هریدی، ۱۴۰۸ق: ص ۴۴). نقطه ثقل و عاطفی‌ترین احتجاجات فتاوی شیخ‌الاسلام‌های عثمانی و مولانا‌های ماوراءالنهر علیه ایران صفوی، همانند اصرار صفویان بر سب و لعن سه خلیفه اول و عایشه همسر پیامبر(ص) بود. اصرار و اجبار بر لعن ایشان، در داخل قلمرو صفویه، گریبان سنیان را و در خارج از آن دامن شیعیان را گرفته

1. Mirwais

بود. صاحب قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی، می‌نویسد: «[در زمان محقق کرکی] علمای شیعه که در مکه بودند، به علماء اصفهان نوشتند، یعنی به ارباب محراب‌ها و منبرها، که شما سب [=دشنام] می‌نمایید متخلفین را در اصفهان، و ما در حرمین شریفین می‌باشیم و ما را عامه به سب این سب عذاب و سیاست می‌نمایند...» [انکم تسبون ائمتهم فی اصفهان و نحن فی الحرمین نعذب بذلک العن و السب] (جعفریان، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۴۱).

۱,۴. توهین به علمای فریقین

پاسخ امیر نجم ثانی (۹۱۸ق) وکیل و سردار شاه اسماعیل صفوی به شفاعت امیرمحمد یوسف صدر خراسان (از علمای اهل سنت که در زمان شاه اسماعیل تشیع را پذیرفت و به مقام صدارت خراسان رسید) در قتل عام قلعه‌ی قرشی که حدود ۱۵۰۰۰ کشته برجای نهاد، برای سادات پناهنده شده در مسجد جامع قرشی، شاهی است بر کشتارهای این دوره (شکری، ۱۳۶۳: ص ۳۰۵). بسیاری از علمای اهل سنت در قلمرو صفوی و به دنبال آن علمای شیعه در سرزمین عثمانی، قربانی خشونت شدند که برگرفته از اندیشه‌های ضد تقریبی بود، به‌طوری که عثمانیان و تورانیان از استیصال صفویان و شرفای مکه و عثمانیان و غیره نیز از ریختن خون زیدیان، و صفویان و زیدیان نیز از مداخله و مقابله و مهاجمه دست نکشیده، باعث قتل و أسر و پریشانی کرورها نفوس محترمه امت محمدی و مانع ترقیات سرمدی یکدیگر شدند. به‌خصوص ایرانیان و عثمانیان که نسبت به اعراب مدنی بودند، مظالم و تعدیاتی که در حق دولت، ملت و رعیت همدیگر روا می‌داشتند، بامیام‌های وحشی (قبایل آدم‌خوار آفریقا) در حق دشمنان خودشان روا نمی‌داشتند (اسپناچی پاشازاده، ۱۳۷۹: ص ۲۸۶).

۱,۵. اجبار به پذیرش مذهب توسط حاکمان

وقتی تفتازانی از علمای اهل سنت به حضور شاه اسماعیل رسید، شاه رو به او کرده و گفت: «شیخ، تو مرد دانشمندی، حیف باشد که راه غلط کرده باشی. بیا و لعن اصحاب کن و مذهب شیعه اختیار کن». شیخ زبان برگشاد و گفت که «ای پسر، تو دین را چه می‌دانی که مرا دلالت به آن می‌کنی؟ آن مردم نامردم که کافر محض و واجب‌القتل‌اند و تو را بدین بدبختی داشته‌اند، پیش

ما بیار (سخنان تفتازانی نمونه بارز اندیشه ضد تقریبی موجود در بین طبقه علمای شیعه و سنی در آن مقطع تاریخی است)، اگر سخن ایشان بر ما مرجح گردد، ما از دین خود رجوع نموده و به مذهب ایشان درآییم و اگر رجحان دین خود را بر ایشان ثابت گردانیم، تو ترک مذهب مخرب خود گیر و دین مستقیم ما را بپذیر». شاه اسماعیل رو به علمای خود کرد که چه می‌گویید؟ ایشان گفتند: «که به این جماعت به سخن بس نی‌توان آمد آن بخت صدپاره» (پاسخ علمای شیعه در اینجا نیز نشان از وجود لایه‌های عمیق اندیشه‌های ضد تقریبی موجود در بین آنان است). آن بخت صدپاره، دوباره رو به شیخ الاسلام کرد و گفت: بیا شیخ از دین خود رجوع کن، شیخ باز شماتت کرد که ای لعین، خاک بر دهن و سنگ نفرین بر سرت (جهانگشای خاقان، ۱۴۰۶ق: ص ۳۹۲).

۲. تأثیرات خارجی

۲.۱. ستیز صفوی - عثمانی

از جمله تأثیرات سیاسی اندیشه‌های ضدتقریبی، ستیز صفوی - عثمانی است که باعث تضعیف نیروی مسلمانان شد. (ادوارد، ۱۳۶۹: ج ۴، ص ۷۲). همچنان که یکی از محورهای اصلی روابط عثمانی - صفوی تحت تأثیر مناقشات مذهبی تشیع و تسنن بود (ایپ شیرلی، ۱۳۸۱: ص ۱۶۵). بیشتر منابع عثمانی مربوط به آن دوره، روابط و مجادله عثمانی - صفوی را نه تنها به‌عنوان عداوت و رقابت سیاسی، بلکه به‌عنوان یک مسئله اعتقادی در تسنن و اعتقاد نادرست و کژ آیینی تشیع و رافضی‌گری نیز مورد توجه قرار داده (اوجاق، ۱۳۸۱: ص ۱۲۳) و منابع صفوی نیز به آن تأکید کرده‌اند، اما با کالبدشکافی این ستیز و گذر از صبغه غلیظ مذهبی آن و کنار گذاردن لایه‌های سطحی، مشخص می‌شود که ماهیت ستیز صفوی - عثمانی، بیش از هر چیز تضاد منافع سیاسی دو خاندان حکومت‌گر بوده که بخش زیاد آن برگرفته و متأثر از اندیشه ضد تقریبی عالمان هر دو طرف است.

امیر محمودبن میرخوانده می‌نویسد: «شاه اسماعیل حکم فرمود که در مساجد، محراب اهل سنت را تغییر دهند و مؤذنان کلمه «اشهد أن علیاً ولی الله» را در اذان بعد از شهادتین گفته، و در

عقب‌حی‌علیتین یعنی «حی علی الصلاة» و «حی علی الفلاح»، جملتین «حی علی خیرالعمل» و «محمد و علی خیر البشر» را تکرار کنند. فرمان واجب‌الاذعان به صدور پیوست که از این پس هر کس خلاف مذهب امامیه نماز گزارد، تیغ‌بندان عتبه علیه، سرش را از تن جدا سازند، و جاهلان و متعصبان که قبل از اعلای ولدی شاه ولایت در شهر ولایت، محبان و شیعیان را تعذیب و ایذا می‌کردند، در آتش انتقام بگذارند. لاجرم در آن اوقات و اوان، عرصه مملکت آذربایجان به آب تیغ بی‌دریغ غازیان از لوٹ وجود بسیاری از جهال و اهل ضلال پاک گردید و دین حق رواج تمام پیدا کرد (خواندمیر، ۱۳۶۲: ص ۱۲۵-۱۲۶) و مسئله لعن در دوره صفویه علنی شد (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ص ۱۲۰).

۲.۲. خیزش سنیان علیه صفویان (هنجارشکنی)

شورش طوایف سنی مذهب غلزایی قندهار که مشهورترین شورش در مجموعه شورش‌های اقوام ایرانی اهل سنت در دوره پایانی عصر صفوی است (زرین کوب، ۱۳۹۴: ص ۹۵)، فرجام تلخی بود بر عصری که ادواری از آن، به‌ویژه آغاز و پایانش، در پیشینه ناهم‌سازگری‌های جهان اسلام از تمایزی بی‌رقیب برخوردار است. پشتوانه معنوی قیام میرویس بن شاه علم، کلاتر قندهار، پدر محمود افغان، فتوایی بود که وی در سفر حج از پاره‌ای از علمای اهل سنت مکه و مدینه مبنی بر جواز خروج بر پادشاه رافضی أخذ کرد. استفتای میرویس از علمای مکه و مدینه به روایت کروسینسکی^۱ کشیش لهستانی، اگرچه احتمالاً آلوده به مبالغه و گزافه است، ولی بی‌تردید دارای عبرت‌های فراوانی است که تأمل در آن برای امروزمان نیز می‌تواند مفید باشد (کروسینسکی، ۱۳۶۳: ص ۳۶). بدیهی است که این فتوا هنگامی می‌توانست کاربرد داشته باشد که شرایط مادی قیام نیز فراهم آید.

۲,۳. ستیز ازبک - صفوی

علمایی که با اندیشه ضد تقریبی در حکومت صفویه حضور داشتند، با علمای ضد تقریبی اهل سنت در میان ازبک‌ها سبب درگیری می‌شدند. مکاتباتی که میان سلاطین عثمانی و خانان ازبک انجام گرفته، تأیید دیگری بر تحریکات بر ضد شیعیان است. از جمله نامه‌های مذکور می‌توان به نامه سلطان سلیم اول به عبیدالله خان و نامه‌های مبادله شده میان سلطان سلیمان قانونی با براق خان، قتلق فولاد سلیمان و پیر محمد ازبک اشاره کرد. ازبکان برای صفویه دشمنان خطرناکی بودند. یکی از جهان‌گردان غربی که در دوره شاه سلیمان صفوی به ایران آمده، درباره ازبکان اظهار نظر می‌کند: «تاتارهای ازبک برای ایرانیان دشمنان خطرناک‌تری هستند و ایرانیان از آنها بیشتر حساب می‌برند (سانسون، ۱۳۴۶: ص ۲۰۰).

محمدخان شیبانی، تحت تأثیر علمای ضد تقریبی تسنن به‌عنوان نماد حاکمیت اهل تسنن و فرزند چنگیز خان، در نامه‌ای به پادشاه صفویه اخطار کرد که دست از اندیشه شیعی بردارد، در غیر این صورت با شمشیر، او را از کفر به مذهب حق وادار خواهد کرد. او در اثر تحریک عالمان ضد تقریبی اصل و منشاء صفویان را مورد تردید و حتی تمسخر قرار داد و کشکول درویشی هدیه فرستاد تا به پیشه اجداد خود بازگردند و سلطنت را به خاندان چنگیز خان واگذار کنند. در رویارویی سیاسی که برخاسته از اندیشه‌های ضد تقریبی علمای صفوی و ازبکان بود، به سه جنگ عمده و سرنوشت‌ساز مرو، جام و رباط پریان منتهی شد (نوایی، ۱۳۶۴: ص ۹۷). تسلط بر راه ابریشم به‌عنوان شاهراه دادوستد شرق و غرب که بخشی از آن از بلخ و مرو می‌گذشت، انگیزه‌ای برای هجوم ازبکان به این ناحیه بود که با اندیشه‌های ضد تقریبی علما این امر سرعت می‌گرفت (اسپناچی پاشازاده، ۱۳۷۹: ص ۶۱۸). از جمله علمای مذکور اهل سنت با اندیشه‌های ضد تقریبی فضل‌الله بن روزبهان خنجی، مورخ دربار سلطان یعقوب آق قویونلو است که بالخصوص رشد و توسعه نهضت صفوی را شاهد بود. او با دامن زدن به تعصبات مذهبی سلاطین ازبک و با ارائه ادله و براهین شرعی، دولت‌های سنی مذهب را به جنگ با صفویان کشاند و با نگارش کتاب «سلوک الملوک» طرح حکومت اسلامی بر مبنای خلافت را تجدید کرد و مشروعیت دینی ازبکان

را فراهم ساخت و تهاجمات ازبکان به خراسان را جنبه شرعی و مذهبی بخشید (خنجی، ۱۳۶۲: ص ۵۷). فضل‌الله بن روزبهان خنجی اصفهانی تا بدانجا از شاه صفوی و قزلباش نفرت داشت که پس از نبرد چالدران، از ماوراءالنهر برای یاوز سلیم شعر سروده، ارسال داشت (اسپناچی پاشا زاده، ۱۳۷۹: ص ۱۵۴) و در آن او را انداز می‌دهد که اگر کار صفویه را یک‌سره نکند، در قیامت دامان سلطان عثمانی را خواهد گرفت:

اگر ملک شریعت مستقیم است / همه از دولت سلطان سلیم است

ز بیمت در تزلزل فارس و ترک / چو افکندی ز سر تاج قزل برک

قزل بُرک (سرخ کلاه) است همچون مار افعی / سرش را تا نکویی نیست نفعی

(خنجی، ۱۳۶۲: ص ۱۶).

پتروشفسکی^۱ شرایط این دوران را این‌گونه توصیف می‌کند: «تعصبات مذهبی صفویان باعث از هم‌گسیختگی پیوندهای فرهنگی ایران با مردم ماوراءالنهر گردید و مانع از آن شد که حاصل اندیشه‌ها و هنرمندی مردم ادب‌دوست ماوراءالنهر در غنای بیشتر ادب فارسی در آن منطقه مؤثر واقع شود» (پتروشفسکی، ۱۳۶۳: ص ۳۹۸).

۲,۴. همبستگی میان ازبکان و عثمانیان

از جمله نتایج جنگ مرو که شاه اسماعیل در آن حضور داشت، این بود که به رواج مذهب شیعه امامیه در شرق قلمرو صفویان منجر شد (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ص ۲۰۰). این امر نوعی همدردی و همبستگی مذهبی میان ازبکان و عثمانیان هم‌مذهب آن‌ها در غرب ایران ایجاد کرد. پس از آنکه شاه اسماعیل پوست سر شیبک خان را پر از کاه کرد و به دربار عثمانی فرستاد، سلطان سلیم اول که از سیاست انفعالی پدرش سلطان بایزید دوم و زیاده‌روی‌های شاه اسماعیل بی‌نهایت به خشم آمده بود، با دیدن سر هم‌مذهب خود، سوگند یاد کرد که انتقام او را از شاه اسماعیل بگیرد و یکی از علل آمدن او به ایران و وقوع جنگ چالدران، همین موضوع بود؛ و یا

1. Petrovsky

وقتی محمد تیمور سلطان به هرات رفت (شکری، ۱۳۶۳: ص ۴۰۴) و در باغ جهان‌آرا فرود آمد، خطبه به نام خود خواند و ابتدا با مردم به نحو احسن رفتار کرد، اما به تحریک علمای متعصب اهل سنت (ضد تقریبی‌ها) رفتار خود را تغییر داد و عده زیادی به جرم تشیع در بلا و مصیبت گرفتار شدند (براون، ۱۳۶۹: ج ۴، ص ۵۳۳).

۲.۵. برخوردهای نظامی و قتل‌عام و خونریزی

وجه حاکم در روابط صفویه و ازبکان، برخوردهای نظامی و قتل‌عام و خونریزی بود. این روند به دلایلی چون سعی شاهان صفوی در تحدید و تثبیت مرزهای سنتی و برقراری حاکمیتی متمرکز از یک‌سوی و استقلال مذهبی تحریک‌شده از سوی عالمان ضد تقریبی، اجتناب‌ناپذیر بود. انگیزه ازبکان در تهاجم به مرزهای شرقی ایران از عوامل متعدد و انگیزه‌های متنوعی در پوشش تعصب مذهبی تأثیر پذیرفته بود (نوابی، ۱۳۶۴: ص ۹۸).

۳. تأثیرات فرامنطقه‌ای

۳.۱. دستگیری و کشتار علمای شیعه خصوصاً جبل‌عاملی

نفوذ و سلطه حکومت‌های سنی مذهب بر شام، مثل ممالیک و عثمانی، از جمله علل آزار و به‌سختی افتادن شیعیان این قلمرو بود. پس از نهضت علمی جبل‌عاملی که به این منطقه چهره شاخص علمی و فرهنگی داد و آن را به‌صورت پایگاه اصلی شیعیان شام درآورد، حکومت‌های سنی، این منطقه را در کانون تکاپوهای شیعه‌ستیزی خود قرار دادند و سرسختانه به دشمنی با خاندان‌های شیعه کمر بستند. بسیاری از علمای جبل‌عاملی، برای رهایی از ستم عثمانی، به مرکز حرفوشی‌ها یعنی بعلبک رفتند که یکی از این علما سید محمدمین اول، جد پدر سید محسن امین عاملی، نویسنده کتاب «اعیان الشیعه» بود. در زمان حکومت سلطان سلیم اول، شیخ نوح حنفی، مفتی دربار عثمانی، فتوای وجوب قتل شیعه را داد و حکام عثمانی به موجب این فتوا بسیاری از فقها و علمای شیعه را در حلب، جبل‌عاملی و نقاط دیگر، سر بریدند (فرهانی منفرد، ۱۳۶۷: ص ۹۵). در گزارش سفر شیخ حسین عاملی به استادش شهید ثانی، شیخ حسین عاملی به هم‌سنخی هجرت خود با هجرت رسول اکرم (ص) می‌پردازد و هر دو را نتیجه احساس فشار از

سوی دشمنان می‌داند. فشارها و سختی‌هایی که از سوی حکومت‌های سنی شام نسبت به شیعیان روا داشته می‌شد، مهاجرت‌هایی گسترده را به دنبال داشت، این مهاجرت‌ها هم به ایران و هم به مناطقی چون حجاز، عراق و هند انجام شد (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ص ۴۱).

۳,۲. مصون نگاه داشته شدن اروپای مسیحی

جنگ‌های میان صفوی - عثمانی، اروپای مسیحی را مصون کرد. کنار ماندن اروپا از حملات عثمانیان دست‌مایه‌ای برای سرمایه‌گذاری‌های اروپا در شرق اسلامی شد؛ اروپایی که با گذر از رنسانس و بهره‌برداری از انقلاب صنعتی، می‌رفت تا خود را برای سروری جهان آماده کند. حملات عثمانیان به گونه‌ای سیاسیون اروپایی را مرعوب کرده بود که «بوسیک»^۱ سفیر «فردینان» در دربار «سلطان سلیمان» مکنونات خاطر خود را چنین ظاهر نمود: «میان ما و ورطه هلاک فقط ایران فاصله است. اگر ایران مانع نبود، عثمانیان به سهولت بر ما دست می‌یافتند. این جنگی که میان آنها درگرفته برای ما فقط مهلتی است، نه نجات قطعی» (براون، ۱۳۳۹: ص ۲۴). عبدالحسین نوایی نیز درباره حملات عثمانیان می‌گوید: «سلاطین عثمانی همواره مجبور بودند که نیمی از قوای نظامی خویش را در مرزهای شرقی خود نگاه‌دارند و همین امر موجب گردید که فتوحات آنان در اروپا متوقف شود» (نوایی، ۱۳۶۴: ص ۱۵۲).

مرحله دوم

برای اینکه روش بحران از حالت انتزاعی خارج شود و مراحل سه‌گانه بعدی هم جایگاه خود را پیدا کنند، پرداختن به مراحل بعدی ضروری است.

براساس چارچوب ارائه شده نظریه بحران، مرحله دوم بررسی و کشف علل، عوامل و دلایل بروز بحران‌ها و مشکلات مذکور در سطح یا سطوح مورد نظر است. ریشه‌یابی مشکل در بازخوانی تأثیرات سه‌گانه داخلی، خارجی و منطقه‌ای همان عمل نکردن کامل به اسلام توسط

علمای شیعه و علمای اهل سنت، بویژه در حوزه سیاست و حکومت مبتنی بر اندیشه‌های ناب اسلام بود. همچنین براساس مدلی که منبعث از تعارضات می‌باشد، در ذیل آن مدل، سه محور جنگ (لشکرکشی میدانی)، واگرایی متوسط (جنگ سرد: فتوای تکفیر و مباحث اندیشه‌ای) و واگرایی خفیف (سب، لعن و ناسزا)، علت تشدید اندیشه‌های ضد تقریبی از نوع علاقه‌مندی به واگرایی متوسط (جنگ سرد: فتوای تکفیر و مباحث اندیشه‌ای) بوده است.

مرحله سوم

همچنین براساس نظریه بحران، مرحله سوم، ترسیم جامعه مطلوب و آرمانی است که در آن به این مسأله پرداخته خواهد شد که اگر وضع موجود در جامعه عصر صفوی به دلیل اندیشه‌های ضد تقریبی، وضع نامطلوبی است؛ وضع مطلوب و آرمانی چگونه تصویر و ترسیم می‌شود؟ در پاسخ خواهیم گفت عمل براساس اندیشه‌های تقریبی در جامعه عصر صفوی و عثمانی می‌توانست براساس مدل توافقات در ذیل چهار محور ائتلاف، اتحاد، همکاری و هم‌گرایی پیش برده و به تکامل برساند. اما متأسفانه در حوزه اتحاد که می‌توانست منجر به اشتراک استراتژیک شود وجود اندیشه‌های ضد تقریبی علمای شیعه با علمای اهل سنت از این نوع نبود، بلکه بیشتر از نوع همکاری تاکتیکی بوده است.

مرحله چهارم

براساس نظریه بحران، مرحله چهارم که شیوه انتقال از وضع موجود به وضع مطلوب بوده (اسپریگنز، ۱۳۷۰: ص ۱۵) و آخرین مرحله در اندیشه‌شناسی ضد تقریبی علمای شیعه با علمای اهل سنت در دوره صفویه است، باید مشخص شود که آیا آنها بیشتر قائل به اندیشه‌های ضد تقریبی بوده‌اند یا تقریبی؟ در پاسخ به این مرحله براساس مدلی که از تعارضات منبعث شده و در ذیل سه محور جنگ (لشکرکشی میدانی)، واگرایی متوسط (جنگ سرد: فتوای تکفیر و مباحث اندیشه‌ای) و واگرایی خفیف (سب، لعن و ناسزا) قرار داشت، این نتیجه را به دست می‌آید که اندیشه‌های ضد تقریبی بیشتر از نوع واگرایی متوسط یعنی همان صدور فتوای تکفیر و کافر

دانستن طرف مقابل بوده که این مسئله خصوصاً در بخشنامه‌نگاری علمای شیعه و سنی نمایان است. بنابراین، در صورتی که تحلیل و شناخت تأثیرات سیاسی اندیشه‌های ضد تقریبی علما در مقطع صفویه و نیز بررسی عوامل چالش این اندیشه‌ها مدنظر باشد، این روش مطلوب است. از آنجا که هدف پژوهش حاضر ارائه راه‌حل برای مشکلات امروز امت اسلامی نیز می‌باشد، این روش می‌تواند به کار گرفته شود.

نتیجه‌گیری

بر مبنای چارچوب نظری پژوهش حاضر، سعی بر این بود تأثیرات سیاسی اندیشه‌های ضد تقریبی مورد مطالعه قرار گیرد. با توجه به چارچوب نظری ارائه شده می‌توان گفت اندیشه‌های «ضد تقریبی» و تفرقه‌افکنانه به بی‌نظمی، هنجارشکنی، رودررویی، تضاد و تزاخم و خصومت در عصر صفوی منجر شد. براساس زیر مجموعه تعارضات در ذیل سه محور جنگ (لشکرکشی میدانی)، واگرایی متوسط (جنگ سرد: فتوای تکفیر و مباحث اندیشه‌ای) و واگرایی خفیف (سب، لعن و ناسزا) این اندیشه‌های ضد تقریبی بیشتر از نوع واگرایی متوسط یعنی همان صدور فتوای تکفیر و کافر دانستن طرف مقابل بوده که این مسئله خصوصاً در بخشنامه‌نگاری علمای شیعه و سنی نمایان است. رسول جعفریان، درباره وضعیت بغرنج شیعیان بیرون از قلمرو صفویه بر این باور است افراط‌گرایی مذهبی در داخل ایران و باز بودن دست آنها در طعن بر مخالفان در برافروزی آتش جنگ مذهبی مؤثر بود. ردپای اندیشه‌های ضد تقریبی و غلظت خصومت فضای اختلافات مذهبی در عصر صفوی - عثمانی از مقایسه میان آراء و فتاوی علمای بزرگ اهل سنت مثل فضل‌الله بن روزبهان خنجی، علمای ماوراءالنهر در جواب عریضه صلحا و نقبای مشهد و فتوای نوح افندی قابل مشاهده بود.

نتیجه آنکه تأثیرات سیاسی چنین اندیشه‌هایی با رویکرد ضدتقریبی، مضرات بسیار و تبعات منفی فراوانی برای جامعه ایران عصر صفوی، برجای داشت. ستیز صفوی - عثمانی، خیزش سنیان علیه صفویان، ستیز ازبک و صفوی، همبستگی میان ازبکان و عثمانی برای مقابله با شیعه، برخوردهای نظامی و قتل‌عام‌ها، دستگیری و کشتار علمای شیعی، مصون نگه‌داشته شدن اروپای

مسیحی، تصرف پایتخت صفویه، گسترش سب و لعن، از جمله آنها بود. همچنین براساس مدل توافقات در ذیل چهار محور ائتلاف، اتحاد، همکاری و هم‌گرایی این نتیجه به دست می‌آید که اتحاد بین علمای شیعه و علمای اهل سنت از نوع اتحاد استراتژیک نبوده، بلکه از نوع همکاری تاکتیکی می‌باشد.

در مبانی دینی و قرآنی عواملی در زوال و نابودی حکومت‌ها بیان شده است. از جمله ظلم، فساد، غرور و تفاخر، اختلاف‌های داخلی و تفرقه، تجمل و غیره. از عوامل مهم شکست و نابودی حکومت‌ها، اختلاف‌های داخلی و تفرقه است و قرآن رمز شکست حکومت‌ها را در جنگ‌های داخلی و نبود همبستگی می‌داند، زیرا در این صورت به جای کمک به یکدیگر، به نابودی هم می‌اندیشند و تنها چیزی که مورد توجه قرار نمی‌گیرد، پیشرفت و بقای حکومت است.

وقتی زمام امور بر اثر اندیشه‌های ضد تقریبی در مقاطعی در آن دوره از دست خارج شد و با محوریت واگرایی متوسط یا جنگ سرد با صدور فتوای تکفیر توسط عالمان هر دو طرف به اوج خود رسید و این مسئله به مهم‌ترین موضوع تبدیل شد، زمینه تفرقه و اختلاف داخلی فراهم، و بر اثر ظلم و ستم، ضعف و فساد روزافزون حاکمان و تقویت عصبیت صوفیانه در مقابل عقل‌گرایی شیعه دوازده امامی که باعث تشکیل و دوام حکومت صفویه شده بود، از میان رفت و زمینه‌ساز ایجاد ضعف و تفرقه شد و صفویان نتوانستند نیروی متحدکننده دیگری را برای پر کردن کمبود اندیشه‌های تقریبی، پیدا کنند. در چنین اوضاعی که حکومت نه حمایت می‌شد و نه اطاعت، فروپاشی امری دور از ذهن نبود.

توجه به آثار مخرب اندیشه‌های ضد تقریبی در دوره صفویه برای جامعه امروز نکات و درس‌های زیادی را به دنبال خواهد داشت. وقتی گرایش صفویان به سمت اندیشه‌های ضد تقریبی بیشتر و به بسترهای اجتماعی و اعتقادی نیز کشیده شد، طراحی نقشه راه تمدن‌سازی بر مبنای مهندسی فرهنگی معارف عقلانی تشیع را با چالش مواجه کرد. اما وقتی در مقاطعی اندیشه‌های تقریبی تأثیرات خود را برجای می‌گذاشت، تشیع از یک مجموعه آموزه‌های عبادی و فقهی خارج و به‌عنوان ایدئولوژی حاکم بر جامعه، پذیرفته می‌شد. جامعه امروز هم باید در اداره کشور سعی کند از هرگونه خصومت و اختلاف و رفتن به سوی ایجاد شکاف‌های قومی و نادیده گرفتن هویت طرف مقابل اجتناب کند.

منابع

۱. اسپریگنز، توماس (۱۳۷۰). فهم نظریه‌های سیاسی. فرهنگ رجایی. تهران: انتشارات آگاه.
۲. اسپناقجی پاشازاده، محمد عارف (۱۳۷۹). انقلاب الاسلام بین الخواص والعوام (تاریخ زندگانی و نبردهای شاه اسماعیل صفوی و شاه سلیم عثمانی). به کوشش رسول جعفریان. قم: انتشارات دلیل.
۳. افوشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت الله (۱۳۷۳). نقاوه الآثار فی ذکر الاخیار. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. اوجاق، احمد یاشار (۱۳۸۱). روابط عثمانی و صفوی در منابع عثمانی و تاریخ‌نگاری معاصر ترک. در: مجموعه مقالات روابط فرهنگی و تاریخی ایران و ترکیه. تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و بنیاد تاریخ ترکیه.
۵. ایپ شیرلی، محمد (۱۳۸۱). منابع ترکی دوران قاجار. در: مجموعه مقالات روابط فرهنگی و تاریخی ایران و ترکیه. تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
۶. براون، ادوارد (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر. ترجمه بهرام مقدادی. تحشیه و تعلیق ضیاءالدین سجادی، عبدالحسین نوایی. تهران: انتشارات مروارید، ج ۴.
۷. براون، ادوارد (۱۳۳۹). تاریخ از سعدی تا جامی (تاریخ ادبی ایران از نیمه قرن هفتم تا آخر قرن نهم هجری). ترجمه و حواشی علی اصغر حکمت. تهران: ابن سینا، ج ۴.
۸. پطروشفسکی، ایللیاپاولویچ (۱۳۶۳). اسلام در ایران. ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام، چاپ دوم.
۹. جعفریان، رسول (۱۳۷۹). دین و سیاست در دوره صفوی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ج ۱.
۱۰. جهانگشای خاقان (تاریخ شاه اسماعیل). با مقدمه الله دتا مضطر. اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۴۰۶ق.
۱۱. خنجی، فضل‌الله بن روزبهان (۱۳۶۲). سلوک الملوک. به کوشش محمدعلی موحد. تهران: انتشارات خوارزمی.
۱۲. خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۶۲). حبیب السیر فی ذکر اخبار افراد بشر. با مقدمه جلال‌الدین همایی. تصحیح زیر نظر محمد دبیر سیاقی. تهران: کتاب‌فروشی خیام، ج ۴.

۱۳. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۴). روزگاران دیگر (از صفویه تا عصر حاضر). تهران: انتشارات سخن، چاپ پانزدهم.
۱۴. سانسون (۱۳۴۶). سفرنامه سانسون. به اهتمام و ترجمه تقی تفضلی. تهران: انتشارات ابن سینا.
۱۵. سبزواری، محمدباقر (۱۳۷۷). روضه الانوار عباسی. به کوشش اسماعیل چنگیزی اردهابی. تهران: نشر مکتوب.
۱۶. شکری، یدالله (۱۳۶۳). عالم آرای صفوی. تهران: انتشارات موسسه اطلاعات.
۱۷. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷). فقه سیاسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۸. فراهانی منفرد، مهدی (۱۳۶۷). مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۱۹. کروسینسکی (۱۳۶۳). سفرنامه کروسینسکی. ترجمه عبدالرزاق دنبلی. تهران: انتشارات توس.
۲۰. مهاجر، جعفر (۱۴۱۰ق). الهجرة العامليه الى ايران في العصر الصفوي، اسبابها التاريخيه و نتائجها الثقافه و السياسيه. بيروت: دارالروضه للطباعه النشر.
۲۱. نوایی، عبدالحسین (۱۳۶۴). ایران و جهان از مغول تا قاجاریه. تهران: نشر همادر.
۲۲. واله اصفهانی، محمد یوسف (۱۳۷۲). خلد برین (ایران در روزگار صفویان). تهران: انتشارات بنیاد موقوفات.
۲۳. هریدی، محمد عبدالطلیف (۱۴۰۸ق). الحروب العثمانیه الفارسیه و اثرها فی انحسار المد الاسلامی عن اروپا. القاهره: دارالصحوه للنشر والتوزیع.